

# بررسی مؤلفه‌های انسان‌شناختی در نظریه دفاعی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) باتکیه بر قرآن\*

□ کامران اویسی<sup>۱</sup>

## چکیده

مقاله حاضر در صدد است مؤلفه‌های انسان‌شناختی دخیل در نظریه دفاعی مقام معظم رهبری را که در بیانات ایشان آمده است، استخراج و با مطالعه در بستر قرآن، آن‌ها را تبیین کند. مطالعات انسان‌شناسی در این باره بر سه محور کلی بینشی، گرایشی، کنشی - واکنشی، یا باورها، امیال، مناسک طبق نگاه ریویر، براساس سه ویژگی تعقل، احساس، رفتار انجام می‌شود. مستندسازی قرآنی مؤلفه‌های مذکور در بیانات مقام معظم رهبری در مقوله دفاع و تبیین آن‌ها، هدف پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که در نظریه دفاعی مقام معظم رهبری، دشمن‌شناسی مهم‌ترین مؤلفه تشکیل‌دهنده باور انسان مدافع، میل به معنویت و عدم میل افراطی به دنیا از مهم‌ترین مصادیق در بُعد امیال انسان مجاهد با بیشترین تبلور در مقوله جاسوسی و فرار از جبهه، در بُعد کنشی، یاری دین و اولیای الهی، مقاومت و ایستادگی،

ارتقای همه‌جانبه بنيه دفاعی از جمله مؤلفه‌های انسان‌شناختی است.  
**واژگان کلیدی:** انسان‌شناسی، دفاع، قرآن، مقام معظم رهبری.

### مقدمه

از آنجا که فرایند دفاع، توسط عنصر انسانی انجام می‌پذیرد، مداخله انسانی چه در طراحی و چه در اجرای دفاع، مهم‌ترین رکن تشکیل‌دهنده آن است. از سوی دیگر، انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است که بنا بر جهان‌بینی اسلامی، نمی‌توان عمل انسان را خالی از تأثیر یکی از آن‌ها دانست؛ بلکه هم جسم و هم روح در به فرجام رسیدن اعمال انسان مؤثرند. مقوله دفاع نیز از این قاعده مستثنا نبوده، هم فعالیت جسمانی بر آن اثرگذار است و هم کنش‌های روحانی. در صورتی می‌توان به منظومه فکری مقام معظم رهبری اشراف کامل پیدا کرد که علاوه بر مؤلفه‌های مدیریت و سازمانی دفاع، به مؤلفه‌های انسان‌شناختی بیان شده یا مورد تأکید از سوی ایشان نیز توجه داشت؛ زیرا چنان که محققان دفاع‌پژوه بیان داشته‌اند، فرهنگ‌سازی در مقوله دفاع همراه با یک انسجام درون‌گفتمانی میان گفتمان مقام معظم رهبری و قرآن، ترسیم قانون ملی و آرمانی تنازع بقاء مادی و معنوی دولت و ملت با توسل به نیروهای مختلف از جمله معنویت برای نیل به امنیت نسبی در شرایط جنگ و صلح است (ر.ک: اسدپور و احمدی اهنک، ۱۳۹۵: ۴۲). از سوی دیگر، فرهنگ نظامی از نگرش‌ها و ارزش‌ها و دانشی تشکیل شده است که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۹) و مباحث انسان‌شناختی نیز یکی از این عناصر است. به عبارت بهتر، دفاع آن نهاد ارتقاء یافته‌ای است که هنر دفع خطر بر اساس موازین و معیارهای مکتبی و استفاده بهینه از ابزار مادی و معنوی مداخله‌گر در جسم و روح انسان را که سبب دفاع شایسته و مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر جامعه باشد، دارد (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۶۶).

بنابراین ضروری است تا مداخلان دفاعی از قبیل نظریه‌پرداز، کنشگر نظامی در مقام تصمیم‌ساز یا مجری در صحنه نبرد را با منظومه فکری دفاعی مقام معظم رهبری در ساحت انسان‌شناختی آشنا سازد؛ یعنی شئون رهبری، فرماندهی قوای نظامی،

اسلام‌شناسی و فقهات، ترکیبی است که جمع آن‌ها در یک شخص و شخصیت، سبب می‌گردد تا در منویات شخص صادرکننده اوامر یا پیشنهاد یا طرح‌های مرتبط با دفاع نیز از نگاه ایدئولوژیک دیده شود. برخی پژوهشگران علوم اجتماعی بر این مطلب صحه گذارده‌اند که افراد دارای مسئولیت‌های اجتماعی، به فراخور بالاتر بودن مسئولیت و منصب، مسئولیت اجتماعی بیشتری نسبت به تحقق مردم‌سالاری و دموکراسی دارند (ترک‌زاده و امیری، ۱۴۰۰: ۱۵۵). البته این مهم در نظام اسلامی باید در چارچوب مردم‌سالاری دینی شکل گیرد. بر پایه این نظر، دیدگاه مقام معظم رهبری از اهمیت بالاتری نسبت به دیگر مسئولان نظامی برخوردار خواهد بود.

همچنین از مهم‌ترین ضرورت‌های پرداختن به این نوشتار، قلم زدن در مقوله‌ای میان‌رشته‌ای از جهت قرآنی بودن و نیز داشتن صبغه امنیت اجتماعی است. از آنجا که در قلمرو انسان‌شناختی، سه ساحت فکر و میل و عمل، یا به تعبیر علوم اجتماعی، باور و میل و مناسک را برای بشر در نظر گرفته و افکار و امیال و اعمال او را به عنوان بایدها و نبایدهایی که به عنوان قاعده لازم است رعایت گردد، تقسیم‌بندی می‌نمایند، پژوهش حاضر تلاش دارد تا مؤلفه‌های انسان‌شناختی نظریه دفاعی مقام معظم رهبری را با تکیه بر قرآن بررسی نماید.

## ۱. روش پژوهش

مقاله حاضر در صدد است تا با مطالعه منویات مقام معظم رهبری در زمینه مؤلفه‌های انسان‌شناختی در مسئله دفاع، پی‌جوی ریشه قرآنی آن بوده تا تحلیل بیشتری نماید یا در صورت عدم صراحت در استفاده از گزاره‌های دینی، آن را با توجه به تاب گزاره مورد نظر و عدم خروج از ظاهر کلام، به قرآن مستند سازد. از این رو، پژوهش حاضر از جهت هدف پژوهش، تحقیقی - کاربردی، از منظر سطح تحلیل، دارای ماهیت توصیفی - استنباطی و از لحاظ روش، اسنادی - تحلیلی است. همچنین گرچه از مطالعه کتابخانه‌ای بهره برده است، اما جهت مستندسازی کلام مقام معظم رهبری به وبگاه رسمی ایشان مراجعه نموده است.

## ۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش، کشف گزاره‌های مبتنی بر تصریح یا اشاره به مؤلفه‌های انسان‌شناختی مؤثر در مقوله دفاع، آن هم با تکیه بر قرآن است. اما از جمله اهداف فرعی، مستندسازی بخشی از منویات مقام معظم رهبری، جهت نشان دادن عمق شناخت ایشان از تفقه دینی و تلاش برای کاربردی‌سازی دین در مقوله‌های مختلفی چون دفاع است. همچنین از جمله اهداف فرعی دیگر این نوشتار، نشان دادن استفاده حداکثری ایشان از دین و به ویژه قرآن در اندیشه‌های خود از جمله در منظومه فکری دفاعی است.

## ۳. پیشینه پژوهش

تا کنون مؤلفه‌های انسان‌شناختی نظریه دفاعی مقام معظم رهبری با تکیه بر قرآن، مورد بررسی واقع نشده است. اما برخی کتب و مقالات در زمینه دفاع و مشتقات و مشابهات آن در بیانات ولیّ فقیه مانند امام خمینی و نیز مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند که به عنوان پیشینه عام می‌توانند یاد شوند که به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

۱- کتاب فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی (مطهرنیا، ۱۳۷۸). این کتاب به دفاع از منظر فرهنگی پرداخته است و یک اثر کلی و عام و غیر تخصصی نسبت به حیطه انسان‌شناختی و یا امامین انقلاب محسوب می‌شود.

۲- مقاله «دفاع هوشمند و قدر معنوی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای» (درویش‌شانی، ۱۳۸۶، ج ۱). این مقاله گرچه سعی نموده تا عنصر معنویت را از بیانات مقام معظم رهبری تا حد توان استخراج کند، اما هم استقراء ناقص انجام داده و هم منحصر به دفاع هوشمند گشته است.

چنان که ملاحظه شد، کتاب و مقاله مذکور به مباحث قرآنی - حدیثی و نیز انسان‌شناختی اشاره نداشته و برخی نیز عام بوده و ممحصّص در کلمات رهبر انقلاب نشده‌اند.

## ۴. مبانی نظری

از آنجا که نوشتار پیش رو در صدد است تا با توجه به مطالعه انسان‌شناختی، به

بررسی مؤلفه‌های معنویت‌زا یا معنویت‌محور در مقوله دفاع از دیدگاه مقام معظم رهبری پردازد، سزاوار است تا مبانی انسان‌شناختی نیز مورد توجه قرار گیرد. انسان دارای سه بُعد تفکر و تعقل، احساس و میل، و رفتار و کردار است که به ترتیب، نگرش و بینش، گرایش و کشش، کنش - واکنش و منش نامیده می‌شود (ر.ک: جلالی، ۱۳۸۰: ۴۵). اما بومی‌سازی شده آن در حیطه علوم اجتماعی می‌تواند به صورت باورها، میل و رغبت و مناسک تعبیر شود (ر.ک: ربویر، ۱۳۹۷: ۱۲۴-۲۵۹).

#### ۱-۴. ابعاد سه‌گانه انسان‌شناختی

گرچه انسان به دو بُعد کلی یعنی جسم و روح بر اساس خلقت و آفرینش بشر قابل تقسیم است، اما توجه به حیطه فکر و احساس و اخلاق و عمل انسان، پژوهشگر انسان‌شناس را وادار می‌دارد تا به ترتیب، حداقل در سه حیطه بینش، گرایش، و منش توأم با کنش - واکنش، او را مطالعه کند. اما از بعد دیگر و نگاه انسان - اجتماعی‌شناختی دینی، باورهای دینی دو لحاظ صورت و محتوا را دارند. همچنین در میان باورها باید اسطوره‌ها را رمزگشایی نمود (ر.ک: همان: ۸-۱۲) تا باورهای دینی راستوار از اسطوره تمیز داده شود. در این پژوهش به سبب ملاک قرار دادن قرآن که سراسر حق و راستی است (طارق/۱۳)، نیازی بدین نوع از پالایش وجود ندارد. بنابراین اگر مطالعه مؤلفه‌های انسان‌شناسی سه‌گانه، در بستر علوم اجتماعی قالب‌ریزی شود، ساختار آن به شکل باورها و امیال و مناسک پیگیری می‌شود (ر.ک: همان: ۱۲۴-۲۵۹).

#### ۱-۱-۴. باور

باور از یک بینش مبتنی بر جهان‌بینی و شناخت پدیدار می‌شود؛ یعنی نتیجه سلسله اعتقادات و باورهایی از جهان و خدا و انسان و روابط آن‌هاست. این تعریف را حتی با نگاه علوم اجتماعی نیز می‌توان صادق دانست؛ زیرا تعریفی است پایه و بر اساس تصدیق اولیات و بدیهیات و مشهوراتی که عقلا در منطقی بدان اذعان دارند. البته تعریف خاصی از باور نیز در علوم اجتماعی وجود دارد که به باور انسان نسبت به قوانین هستی اجتماعی اطلاق می‌شود (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۴). نکته مهم، اذعان برخی از جامعه‌شناسان مانند کوهن و لاکاتوش درباره تأثیر مباحث متافیزیکی در باورها و حتی پیش‌فرض‌های

پایه‌ای و پارادایم‌های علمی است (ر.ک: امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۹).

#### ۲-۱-۴. میل

میل یا به تعبیر دیگر گرایش، آن کشش درونی است که انسان نسبت به اعیان و افعال و افکار پیدا می‌کند؛ مانند تمایل به جاودانگی، مادیات، دنیا (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱: ۵۰۱-۴۹۲/۳). میل به خوبی و عدم رغبت به بدی به صورت فطری در انسان نهادینه شده است؛ اما خود بشر است که این فطرت پاک را آلوده می‌سازد و با میل غلط به امیال خود جهتی خطا می‌دهد: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ﴾<sup>۱</sup> (حجرات/۷).

بنابراین یک دسته از امیال در انسان به صورت طبیعی وجود دارند که افراط یا تفریط در آن‌ها سبب خروج آن‌ها از حالت طبیعی می‌گردد. این نکته در دیدگاه متخصصان جامعه‌شناسی علم، مانند دورکیم و شلر نیز گاه دیده می‌شود که از تأثیر اراده، انگیزه، نیاز و میل بر فعالیت علمی و عملی سخن گفته‌اند (ر.ک: امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

#### ۳-۱-۴. کنش - واکنش و منش و مناسک

رفتار انسان گاه عملکردهایی است که ظهور آن‌ها به شکل صفات در شخصیت انسان نشان داده می‌شود که قرآن از آن، تعبیر به شاکله کرده است و در این نوشتار به آن منش اطلاق می‌شود. منش، عادت‌های رفتاری یک فرد است که در اثر تأثیرهای بینش و گرایش بر انسان ایجاد می‌شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱: ۵۰۱-۴۹۲/۳). برخی از علمای اخلاق، منش و شخصیت را به یک معنا استعمال کرده (موسوی لاری، ۱۳۷۶: ۹۰) و هر دو را حاکی از یک واقعیت می‌دانند؛ ولی بعضی از روان‌شناسان اخیر، میان این دو اصطلاح تفاوت قائل شده و اصطلاح منش را برای جنبه‌های اخلاقی و ملکات فاضله و ردائل انتخاب نموده‌اند. به عبارت دیگر، منش برای ارزیابی شخصیت با مقیاس‌های اخلاقی یعنی خوبی و بدی است؛ در حالی که شخصیت را معرف تمام کیفیات روحی و اخلاقی و عقلی و عاطفی و حتی بدنی می‌دانند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ب: ۲۶۱).

۱. «لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت».

رفتار گاه بروزهای عملکردی خارجی است که در این حالت به آن کنش - واکنش گفته می‌شود. در واقع رفتار، تنها ابزارِ ذاتاً و از پایه در دسترس و تحت اختیار ما برای مدیریت شرایط محسوب می‌شود که مهم‌ترین میزان این اختیار، در نگرش نمود دارد و البته تأثیر دائمی محیط و شخصیت بر هم نیز موجب ایجاد رفتار می‌شود (ر.ک: اسمیت و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶۵/۱).

جامعه‌شناسان بیشتر بُعد اجتماعی رفتار انسان را لحاظ می‌نمایند که تعامل دین و انسان در اجتماع، به شکل ادای مناسک بروز می‌کند. منسک در لغت به معنای عبادت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۹۹/۱۰).

در گذشته مناسک را در قالب دین جستجو می‌کردند. اما در سده نوزدهم، این باور شکل گرفت که مناسک دینی، چیزی جز اسطوره نیست و سپس در ربع آخر قرن بیستم، آن را واکاوندۀ دوره معاصر قلمداد کردند؛ یعنی برخی به سبب جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند، منسک‌گرا بودند و برخی به جهت زندگی در یک مکان مدرنیته‌شده، تعهدشان به منسک کمتر می‌شد. ولی همزمان می‌توان مناسکی شدن معنویت‌های دیگر را نیز شاهد بود (ر.ک: ربوی، ۱۳۹۷: ۱۹۴). اما در اینجا مناسکی شدن آموزه‌های دینی، به معنای سیاسی شدن و نمایش نیست، بلکه نوعی تمهید برای افسون‌زدایی احتمالی است؛ گرچه قرآن خود ذاتاً این مهم را بر عهده گرفته و مناسک خود را از سرچشمه علم خدا و معصومانه و دور از خطا توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به جامعه رسانده است (ر.ک: شعراء/ ۱۹۲-۱۹۵).

#### ۲-۴. قلمرو دین در اندیشه مقام معظم رهبری

بحث از قلمرو دین برای این است که آیا می‌توان در علومی چون دانش‌های نظامی و دفاعی، از مباحث دینی نیز بهره‌مند شد. گرچه ایشان در سخنرانی‌ها یا منویات خاص و عام نسبت به تأثیر معنویات در مقوله‌هایی چون جهاد و دفاع با نگاه تلقی به قبول به این نوع از تأثیر معنویات افاضه فرموده است، اما می‌توان بحث را دقیق‌تر و در قالب نظریه‌پردازی‌های ایشان نیز پی‌گیری نمود. مقام معظم رهبری در علوم تجربی، نگاه حداکثری را نمی‌پذیرد و در علوم انسانی معتقد است که دین باید اصول، مبانی و اهداف

علوم انسانی را توصیف کند و اما در جهت هنجاری، دین باید به طور حداکثری پاسخگوی نیازهای انسان‌ها باشد و ارزش‌گذاری کند (ر.ک: قره‌باغی و الهی‌راد، ۱۳۹۹: ۳۷-۴۷). از آنجا که دانش دفاعی و نظامی، یک علم ترکیبی و متشکل از مباحث و مسائل عمومی چون علوم سیاسی و تحقیقات استراتژیک، مدیریت به ویژه با فرع و شاخه‌های آینده‌پژوهی و امنیت ملی و سایبری و راهبردی و جنگ است و حتی در برخی موارد، مسائلی از مباحث فنی و مهندسی و حتی پزشکی را داراست، نمی‌توان به صورت قاطع نسبت به تمام مسائل دانش دفاع نظر داد و باید نسبت به مسئله خاص یا چالش پیش‌آمده یا راهبرد دفاعی که اتخاذ شده، ماهیت آن نوع از علم دفاعی را تشخیص داد. بنابراین در اینجا به قدر متیقن از نظریه قلمرو دین مقام معظم رهبری اخذ می‌شود که نتیجه آن، قول به حداقل دیدگاه در تفصیل‌های ایشان در قلمرو دین یعنی اصول و مبانی و اهداف یک دانش است که می‌توان از دین در آن‌ها استفاده نمود. بنابراین اگر مبانی دانش دفاعی بخواهد از قرآن و حدیث اخذ شود یا به آن‌ها عرضه شود، یکی از مبانی مسلم این خواهد بود که معنویت در دانش دفاعی مسلمانان مؤثر است. به عبارت دیگر، اعتقاد به خدا و نبوت و معاد و دیگر مسائل دینی که لازم است یک مسلمان به آن‌ها باور داشته باشد و نیز جهت‌دهی به تمایلات قلبی و نفسانی و گاهی کنترل آن‌ها و جلوگیری از افراط و تفریط و نیز انجام عمل صالح به عنوان سرزدن رفتار شایسته از یک مؤمن، از مباحثی است که انجام آن‌ها برای تقویت روحیه دفاعی یا تحصیل امدادهای غیبی در مقوله دفاع اثرگذار است و نیز موانعی چون بی‌اعتقادی به باورهای اسلامی یا کم‌اعتقادی بدان‌ها و برخی امیال نفسانی چون دنیاپرستی و بعضی از رفتارهای غلط مانند گناه، سبب دوری از قرب الهی و حرمان از نصرت الهی در زمان دفاع خواهد شد.

## ۵. مؤلفه‌های انسان‌شناختی دفاع

مؤلفه‌های انسان‌شناختی چنان که در مبانی نظری تحقیق ذکر شد، از حیث جامعه‌شناختی و تقسیم‌برگرفته از مباحث انسان - جامعه‌شناختی کلود ریویر، به سه نوع باورها، امیال، کنش‌ها و واکنش‌ها و مناسک قابل تقسیم است.

## ۱-۵. باورها

باور همان شناخت یا نتیجه شناخت است که به شکل‌گیری یک اعتقاد منجر می‌شود. در زمینه دفاع در بیانات مقام معظم رهبری، آنچه بیش از همه به عنوان یک مؤلفه انسان‌شناختی مطرح شده است، دشمن‌شناسی است.

### ۱-۱-۵. آگاهی نسبت به دشمن و ابزارهای آن

یکی از مشکلات فردی و به ویژه اجتماعی انسان امروز، عدم شناخت دشمن خویش است. در واقع، دشمنان انسان با به کارگیری ابزارهای پیشرفته و انواع روش‌های جنگ روانی، خودشان را از او مخفی داشته و در لباس دوست، ضرباتشان را بر او وارد می‌کنند (برهانیان، ۱۳۸۳: ۱۰). از این رو، شناخت و تشخیص دشمن و نوع تهدید و ابزار و تجهیزات هجومی او، از اولین گام‌های دفاعی است تا باورهای خویش را در مسیر دفاع از خود و جامعه به کار گیرد. به تعبیر دیگر، بصیرت‌افزایی نسبت به دشمن‌شناسی، از جمله اقدام‌های لازم یک دفاع منطقی است. به گفته برخی پژوهشگران، صاحبان بصیرت مسلماً در زمره بندگان صالح و پروا پیشگان‌اند (درویش شانی، ۱۳۸۶: ۲۴۳/۱). این نکته حائز اهمیت است که گرچه دشمن‌شناسی از مسائل مهم دانش جنگ و دفاع در سطح جهان به شمار می‌رود، اما در کلام مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید شده و استناداتی که یا ایشان به کار برده یا می‌توان از قرآن و حدیث اصطیاد کرد، نیز بر این بحث اشاره ارشادی و تأکیدی دارند. رهبر انقلاب در بیاناتی درباره دشمن اصلی ملت ایران در حال حاضر می‌فرماید:

«دشمن چه چیزی را هدف گرفته؟ من این را به شما می‌گویم. شما برادران عزیز من، فرزندان من و جوانان من هستید. گزارشی هم که فرماندهان عزیز ما اینجا دادند، نشان می‌دهد که شما علاوه بر آموزش نظامی، آموزش بصیرت و معنویت و نگاه سیاسی و مانند این‌ها هم دارید. دشمن دنبال چیست؟ هدف دشمن در جمهوری اسلامی چیست؟ دشمن چه چیزی را هدف گرفته است؟» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسدار امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).<sup>۱</sup>

بر این اساس، بصیرت و هوشیاری و دشمن‌شناسی از مهم‌ترین ارکان‌های دفاعی

۱. بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له (Khamenei.ir) قابل مشاهده است.

است. بصیرت را می‌توان شناخت دقیق و قلبی انسان از موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها به منظور جلوگیری از افتادن در دام‌هایی دانست که سبب انحراف و زیان وی می‌شود (قربانی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲). گسترش رسانه‌های الکترونیکی در عصر کنونی به حدی است که جمعی از اندیشمندان و متفکران، از آن به عنوان انقلاب الکترونیکی و انقلاب اطلاعاتی یاد می‌کنند. برخی از نظام‌های سلطه‌جو از رسانه‌های پیشرفته و نوین در جهت تضعیف و یا تخریب هویت ملی و دینی جوامع دیگر بهره می‌گیرند که این اقدامات اصطلاحاً در مقوله جنگ نرم می‌گنجد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲/۴۸۷).

مقام معظم رهبری نیز در منویات و کلمات خود همیشه بر این مسئله تأکید داشته که: «دشمن را باید شناخت؛ روش‌های دشمن را باید شناخت» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷).

تا سال‌های قبل یعنی تا حدود ۱۹۴۵ م.، غالب جنگ‌ها «جنگ سخت» بودند. پس از آن، با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و غرب، دور جدیدی از رقابت‌ها به نام «جنگ سرد» آغاز شد که ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم بود؛ یعنی در طی آن، دو ابرقدرت آمریکا و شوروی در عین تهدیدهای سخت، از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کردند. با پایان یافتن جنگ سرد، کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می‌توانند با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها، به اهداف مورد نظرشان دست یابند، که در ادبیات سیاسی به جنگ نرم شهرت یافت (ر.ک: اسدیپور و احمدی اهنک، ۱۳۹۵: ۳۵).

رهبر انقلاب در اهمیت توجه به جنگ نرم در تخریب انگیزه دینی می‌فرماید: «امروز از همه طرف با انگیزه دینی مردم دارد دشمنی می‌شود؛ برای اینکه ایمان‌ها را اول در جوان‌ها و بعد در طبقات گوناگون دیگر به عناوین مختلف، به اشکال مختلف از بین ببرند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

البته جهاد اسلامی بر خلاف آنچه دشمنان معاند تبلیغ می‌کنند، هرگز به معنای تحمیل عقیده نیست و اصولاً عقیده تحمیلی در اسلام ارزشی ندارد؛ بلکه جهاد مربوط به مواردی است که دشمن جنگ را بر امت اسلامی تحمیل می‌کند یا آزادی‌های خداداد را از او می‌گیرد یا می‌خواهد حقوق او را پایمال کند و یا ظالمی گلوی مظلومی

را می‌فشارد که بر مسلمانان فرض است به یاری مظلوم بشتابند، هرچند منجر به درگیری با قوم ظالم شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۰۹/۲۱).

در آیه‌ای از قرآن نسبت به خطر برخی اهل کتاب و نقشه‌کشی آن‌ها برای مسلمانان هشدار داده شده است: ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾<sup>۱</sup> (آل عمران / ۶۹). دشمنان اسلام به ویژه یهود برای دور ساختن تازه‌مسلمانان از اسلام، از هیچ کوششی فروگذار نبودند و حتی طمع داشتند که بتوانند یاران مخصوص پیامبر ﷺ را از اسلام باز گردانند و بی‌شک اگر می‌توانستند در یک یا چند نفر از یاران نزدیک آن حضرت نفوذ کنند، ضربه بزرگی بر اسلام وارد می‌شد و زمینه برای تزلزل دیگران نیز فراهم می‌گشت. آیه مذکور ضمن افشای این نقشه دشمنان، به آن‌ها یادآور می‌شود که دست از کوشش بیهوده خود بردارند؛ چرا که تربیت مسلمانان در مکتب پیامبر ﷺ به اندازه‌ای حساب شده و آگاهانه بود که احتمال بازگشت وجود نداشت. آن‌ها اسلام را با تمام هستی خود دریافته بودند و به آن عشق می‌ورزیدند؛ بنابراین دشمنان نمی‌توانستند آن‌ها را گمراه سازند (ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۵/۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۱۰۶۰۹/۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۶۰/۳). این آیه، خبر از کینه‌های مکتبی می‌دهد و یکی از پیام‌های آن این است که شناخت دشمن و برنامه‌های او، لازمه در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۳۷/۱).

آیه‌ای دیگر نیز شناخت دشمنان دوست‌نما را توصیه می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُم وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup> (مجادله / ۱۴). مراد از کسانی که با گروه مورد غضب واقع شده، طرح دوستی ریختند، منافقان هستند. از جمله پیام‌های آیه، لزوم جدا کردن خودی از غیر خودی و شناخت دشمن و منافق است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۶/۲۳؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۲۰/۹)؛ به گونه‌ای که این گروه نه از مؤمنان هستند و نه از یهودیان دشمن اسلام (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۰/۹؛ فخرالدین رازی،

۱. «گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند؛ ولی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و [این را] نمی‌فهمند».

۲. «آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ آن‌ها نه از شما هستند و نه از آنان، و با اینکه خود می‌دانند، به دروغ سوگند می‌خورند [که از شما هستند]».

۱۴۲۰: ۲۹/۴۹۷) و به همین سبب، شناخت آن‌ها مشکل است.

نمونه دیگر از آیاتی که نکته‌ای بصیرتی درباره دشمن‌شناسی دارد، آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ۝ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾<sup>۱</sup> (بقره/ ۲۰۴-۲۰۵) است و معنایش چنین باشد که چون از نزد تو بیرون می‌شود، وضعش غیر آن وضعی می‌شود که در حضور تو داشت؛ در حضور تو دم از صلاح و اصلاح و خیر می‌زد و می‌گفت که در این راه سعی خواهد کرد، ولی چون بیرون می‌شود، در راه فساد و افساد سعی می‌کند. او از راه نابود کردن حرث و نسل در زمین، فساد می‌انگیزد و در نابودی انسان می‌کوشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۹۶). همه این سخنان، حکایت از آن دارد که از جمله کلیدواژگان مهم و پرکاربرد در کلام رهبر انقلاب، بصیرت نسبت به شناخت دشمن و ابزارهای جدیدی است که به کار می‌برد تا بتوان به همان اندازه در دفاع، نوآورانه و پیروزمندانه عمل نمود.

## ۲-۵. امیال

میل به خوبی و عدم رغبت به بدی، در فطرت بشر نهادینه است. در بحث دفاع نیز با توجه به تأثیر متافیزیکی که برخی از دانشمندان علوم اجتماعی پذیرفته‌اند، نباید از این امیال غافل شد. چه بسا افراط و تفریط در این امیال، سرنوشت یک جنگ را تغییر دهد؛ مانند میل برخی مسلمانان به جمع‌آوری غنائم در جنگ احد و ترک محل نگهدانی بر خلاف توصیه رسول خدا ﷺ که سرنوشت جنگ را تغییر داد (ر.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱/۲۵۰). ریشه انسان‌شناختی این گونه واکنش‌های اجتماعی به ویژه در دفاع و مجاهده، گاه در امیال نفسانی یا فطری است.

## ۱-۲-۵. میل به معنویت

نیروی انقلابی دفاعی به ویژه ارتشی مسلمان، باید بتواند به دفاع گروهی که در

۱. «و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی پست [دنیا] تو را شگفت زده می‌کند و خدا را بر آنچه در دلش دارد، گواه می‌گیرد و حال آنکه او، سرسخت‌ترین دشمنان است \* و هنگامی که روی برمی‌تابد [یا به حکومت می‌رسد]، در زمین کوشش می‌کند تا در آن فساد کند و زراعت و نسل را نابود سازد، و خدا تباہکاری را دوست نمی‌دارد».

مجرای فی سبیل الله هويت می‌یابد، حرکت کند (ر.ک: برزگر، ۱۳۷۹: ۱۴۷). مقام معظم رهبری، یک شخص نظامی را بنا بر عرف اسلامی «مجاهد» می‌داند که برای دفاع از آنچه در راهش جهاد می‌کند، با جان و هستی خود وارد میدان می‌شود (بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری، ۱۳۸۳/۰۷/۲۳).

مدافع از حریم اسلام و نظام اسلامی یا به تعبیر عرفی‌تر، مجاهد فی سبیل الله کسی است که در راه خدا و حفظ دین جهاد نموده باشد، و این تعبیر چنان مطلق و عام است که شامل زمان پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت و نواب خاص و ولی فقیه نیز می‌گردد. همچنین شرط جهاد این نیست که حتماً در جنگ کشته شوند؛ بلکه همین که در جبهه جنگ و میدان مبارزه به منظور جهاد با دشمن و دفاع از حریم اسلام شرکت کنند، بر آنها مجاهد اطلاق می‌شود (طیب، ۱۳۷۸: ۴۲۱/۲).

برخی محققان از بعضی آیات، روحیه و حرکت جهادی را فهمیده‌اند. در قرآن آمده است: «وَلَيَكُونَنَّ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»<sup>۱</sup> (فتح / ۲۰)؛ یعنی مسلمانان می‌توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می‌تواند زمینه را برای پیروزی‌های آینده هموار سازد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴۳۰/۱۷).

در آیه‌ای دیگر آمده است: «إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ»<sup>۲</sup> (ممتحنه / ۱). در اینجا آیه را چنین معنا کرده‌اند که اگر به راستی دم از دوستی خدا می‌زنید و به خاطر او از شهر و دیار خود هجرت کرده‌اید و طالب جهاد فی سبیل الله و جلب رضای او هستید، این مطلب با دوستی دشمنان خدا سازگار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲۴). این نشان می‌دهد که حرکت جهادی علاوه بر جنگ و دفاع، تحمل دوری از وطن و قطع ارتباط با برخی افراد را حتی اگر از خویشان باشند، نیز در پی دارد و این است که یک نهضت و حرکت جهادی لازم است و یک جهاد فردی کافی نیست. به همین سبب است که برخی از قرآن‌پژوهان، خشنودی خدا از حرکت جهادی مسلمانان

۱. «و تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد و شما را به راهی راست رهنمون شود».

۲. «اگر شما برای جهاد در راه من و در طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید، [با آنان طرح دوستی نیفکنید] به پنهانی با آنان دوستی می‌کنید».

مکه را از آیه پیش گفته استنباط کرده‌اند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۵۲/۲۲).

البته تمامی مطالب مذکور، زمانی حرکتی جهادی و اسلامی تلقی می‌شود که برخاسته از روحیه معنوی مجاهدان و مدافعان باشد. رهبر انقلاب بر این باور است که مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی فرد مسلح است (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشکده افسری امام علی علیه السلام، ۱۳۸۷/۰۷/۲۸). نیز ایشان قاعده‌ای مطرح می‌کند که هر چه رابطه با خدا مستحکم‌تر شود، توفیقات و هدایت الهی بیشتر می‌گردد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۰۷/۲۹).

ایجاد روحیه معنوی در نیروهای مسلح از راه‌هایی چون یاد خدا شروع می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾<sup>۱</sup> (مریم/ ۵۹). آیه شریفه اشاره به گروهی از بنی‌اسرائیل دارد که در طریق گمراهی گام نهاده، خدا را فراموش کردند، پیروی از شهوات را بر ذکر خدا ترجیح دادند، جهان را پر از فساد نمودند و سرانجام در دنیا به نتیجه اعمال سوء خود رسیدند و در آخرت نیز خواهند رسید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۱/۱۳).

## ۲-۲-۵. دنیاگریزی

مقام معظم رهبری درباره دل‌بستگی به دنیا معتقد است که نیروهای مسلح در ارتش باید این را قدر بدانند، چیزی که اسلام را نجات می‌دهد، بی‌اعتنایی به زرق و برق‌هاست (بیانات در مراسم صبحگاه مشترک یگان‌های زمینی، هوایی و دریایی سپاه، ۱۳۷۲/۰۷/۰۷).

قرآن در آیات فراوانی به این خصیصه مذموم اشاره فرموده و انسان را نسبت به پالایش از این رذیله تشویق، و از دچار شدن بدان بر حذر داشته است؛ مثلاً در آیه ﴿وَلَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْبِرُ﴾<sup>۲</sup> (مذثر/ ۶)، گرچه استکثار به دو معنای زیاده‌خواهی مذموم مانند پرخوری، ثروت‌اندوزی و... و نیز زیادانگاری عبادات شخصی یا خوبی‌هایی که در حق دیگران کرده، مانند منت‌گذاری پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردم به سبب ابلاغ رسالت، تفسیر شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۱/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱۴/۲۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۳۷/۲۹)، اما با توجه به عمومیت متعلق نهی از استکثار و فزون‌طلبی، هر نوع فزون‌طلبی از جمله زیاده‌خواهی دنیوی مذموم است.

۱. «و از شهوات پیروی نمودند و در آینده [عذاب] گمراهی [خود] را ملاقات خواهند کرد».

۲. «و منت‌گذار و فزون‌مطلب».

حتی کار به جایی می‌رسد که برخی آخرت خویش را به دنیایی اندک می‌فروشند. به فرموده قرآن، چنین افرادی، تخفیفی در مجازات نخواهند داشت: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾<sup>۱</sup> (بقره/ ۸۶). فروختن آخرت به دنیا را می‌توان در مصادیق متعددی پیدا نمود. در مقوله دفاع و جهاد و جنگ، مهم‌ترین نوع آن فرار از جبهه و یا خودفروختگی در قالب جاسوسی و خبرچینی برای دشمن است. قرآن درباره فرار از جبهه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُلُوهُمُ الْأَدْبَارَ ۚ وَمَنْ يُولَهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ﴾<sup>۲</sup> (انفال/ ۱۵-۱۶).

بنا بر آیه مذکور، هر نوع فراری از مقابل دشمن در جبهه جنگ، مگر به عنوان تاکتیک عقب‌نشینی یا پیوستن به دیگر صفوف هم‌زمان در مناطقی دیگر، نهی شده و گناهی بزرگ با وعده عذاب و جهنم شمرده شده است. البته این آیات در میان آیات مربوط به جنگ بدر آمده است، ولی اختصاص به آن ندارد و یک قانون کلی نظامی اسلام را بیان می‌کند (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۹/۸-۵۰).

همچنین قرآن کریم از برخی جاسوسان در میان مسلمانان به نفع یهودیان خبر می‌دهد که در جنگ و جهاد و حتی در جنگ نرم نیز کاربرد دارد: ﴿... وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِيَكْذِبَ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ...﴾<sup>۳</sup> (مانده/ ۴۱). گرچه سبب نزول این آیه، اختلاف دو قبیله

۱. «همین کسانی‌اند که زندگی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند. پس نه عذاب آنان سبک گردد و نه ایشان یاری شوند».

۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می‌آورند، به آنان پشت مکنید \* و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند - مگر آنکه [هدفش] کناره‌گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از هم‌زمانانش] باشد - قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد و جایگاهش دوزخ است و چه بد سرانجامی است».

۳. «ای پیامبر! کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند، تو را غمگین ن سازند: [چه] از آنان که با زبان خود گفتند: «ایمان آوردیم»، و حال آنکه دل‌هایشان ایمان نیاورده بود، و [چه] از یهودیان: [آنان] که [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بپایان] برای تکذیب [تو بیایند]، و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند، خبرچینی [جاسوسی] می‌کنند، کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند: «اگر این [حکم] به شما داده شد، آن را بپذیرید، و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید» و هر که را خدا بخواهد، به فتنه درآفکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید. اینان‌اند که خدا نخواست به دل‌هایشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی، و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود».

یهودی بنی‌نضیر و بنی‌قریظه بر سر حکم قصاص برای قاتل یهودی شخصی یهودی بر اساس تورات و داوری و حکمیت پیامبر ﷺ برای آنان و دسیسه‌های پشت پرده عبدالله بن ابی و همکاری او با برخی از یهودیان در این زمینه بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۸-۳۳۹)، اما از آنجا که نوعی نسخه کلی را در زمینه هشدار نسبت به دسیسه‌چینی بر اساس جاسوسی تجویز می‌کند، قابلیت دارد تا بر اساس قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» (معرفت، ۱۴۱۰: ۲۶۱/۱) - به معنای اصل عبور از یک مورد خاص نزول به سمت عمومی کردن آن-، قابل تعمیم به دیگر موارد مشابه از جمله جنگ‌های امروزی باشد. بنابراین هر نوع جاسوسی به نفع دشمن، از مصادیق دنیاگرایی است. از این روست که مقام معظم رهبری بر روی کلیدواژه دنیاگریزیِ مدافعان نظامی تأکید دارد.

### ۵-۳. کنش - واکنش و مناسک

مؤلفه‌هایی است در حیظه عمل و رفتار انسان که در عملکرد او به عنوان یک مدافع تأثیر دارد. در این نوشتار به مهم‌ترین آن‌ها از دید مقام معظم رهبری یعنی یاریگری اولیای الهی، مقاومت، و ارتقای نیروی دفاعی پرداخته می‌شود. دو مورد اخیر را می‌توان علاوه بر معنویت فردی یا تاکتیک و راهبرد دفاعی مستند به قرآن برای یک شخص، برای جامعه ایمانی مدافعان نیز تسری داد و تجویز نمود. البته اصطلاح مناسک بنا بر نگاه ریویر، عبادات در بستر جامعه را مدنظر قرار داده است (ر.ک: ریویر، ۱۳۹۷: ۱۹۴) که گاه کنش‌های مدنظر در عین اینکه یک فعالیت شخصی و فردی است، می‌تواند جمعی و اجتماعی نیز بروز یابد؛ مثلاً یاری دین خدا گاه به تنهایی انجام می‌پذیرد و گاه در میان یک لشکر رزمنده. اینجاست که قرآن فرموده است: ﴿... أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَانٍ...﴾ (سبأ/ ۴۶).

### ۵-۳-۱. یاری اولیاء و دین خدا

مقام معظم رهبری بر این باور است که طبق آیه شریفه ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾ (حج/ ۴۰)، نصرت الهی امری طبیعی و بدیهی است و شامل امت مسلمان ایران که

۱. «دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید».

همه‌گونه دین خدا را یاری کرده‌اند، می‌شود (بیانات در مراسم تفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۷۶/۰۵/۱۲). البته که از مصادیق یاری و نصرت دین خدا، دفاع از کیان نظام و سرزمین اسلامی است؛ چنان که شیخ طوسی دو احتمال نصرت اولیاء خدا و دوم نصرت دین خدا را از معانی آیه گفته‌شده دانسته است (طوسی، ۱۴۱۰: ۳۲۱/۷).

مقصود وعده خدا در آیه مذکور این است که مدافعان اسلامی تصور نکنند در میدان مبارزه حق و باطل و در مقابل انبوه دشمنان، تنها وانهاده شده‌اند. همین وعده الهی یکی از اسبابی بود که مدافعان و مجاهدان مسلمان با اینکه در بسیاری از میدان‌های جنگ از نظر تعداد نفرات و ابزارآلات جنگی در اقلیت بودند، بر دشمنان ظفر می‌یافتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۱۴). البته این تا وقتی بود که مسلمانان دین خدا را یاری می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۶/۱۴). نیز این وعده تنها به کسانی داده شده است که تمام نیروهای خود را بسیج کنند و با همه توان به میدان آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲۰/۱۴).

شبهه آیه پیش گفته در جای دیگری نیز آمده است: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ (محمد/۷) و این آیات به نوعی خبر دادن از آینده است؛ زیرا مهاجران در آینده‌ای نزدیک توانستند با تعداد کمی که داشتند، بر بت‌پرستان پیروز گردند (ر.ک: زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۳۱/۱۷). بنابراین با توجه به وحدت ملاک یعنی دفاع از دین و اولیاء دین، می‌توان تنقیح مناط نمود و این پیشگویی را شامل حال دیگر مدافعان و مجاهدان بعد از صدر اسلام نیز دانست؛ چنان که مقام معظم رهبری با استناد به آیه ذکرشده، یاری خدا را برای یاری دهندگان و ناصران دین طبیعی دانست.

### ۵-۳-۲. مقاومت و ایستادگی

در فرمایشات مقام معظم رهبری، ایستادگی بر سر اصول اسلام، کلید فتح و فرج است. این عامل به وسیله ایمان صادقانه به وعده خدا تضمین می‌شود (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). «ایستادگی» ترجمه واژه «دفاع» است و زمانی که توکل در فضای روح و روان انسان حاکم گردید و او با آگاهی و ایمان کامل، امور زندگی خود را به خداوند سپرد، اعتماد به نفس قدرتمندی را در خود احساس خواهد

کرد و به این واسطه، راه موفقیت را خواهد پیمود (ر.ک: عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱). این موفقیت در نیروی مسلح، یعنی دفاع خوب و جامع. بنابراین با استنباط از کلام رهبر انقلاب می‌توان ایستادگی و مقاومت را رمز موفقیت نظامی یعنی پیروزی و دفاع شایسته دانست.

قرآن نیز در برابر ظالم، دست مظلوم را نبسته و او را از گرفتن حق خویش باز نداشته است؛ بلکه برای اینکه ریشه ظلم و فساد قطع شود و برای اینکه قانون عدالت در روی زمین حکمفرما باشد، به مظلوم اجازه و بلکه فرمان می‌دهد که در برابر ظلم و ستمگر مقاومت و ایستادگی نماید و عادلانه از وی انتقام گیرد. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾<sup>۱</sup> (بقره/۱۹۴).

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چگونه خدای تعالی با اینکه معتدین و متجاوزین را دوست نمی‌دارد، در این آیه به مسلمانان دستور داده که به متجاوزین تجاوز کنند؟ جوابش این است که اعتداء و تجاوز وقتی مذموم است که در مقابل اعتدای دیگران واقع نشده باشد و به عبارتی «تجاوز ابتدایی» باشد؛ اما اگر در مقابل تجاوز دیگران باشد، در عین اینکه تجاوز است، دیگر مذموم نیست، همان طور که تکبر با اینکه از رذائل است، در مقابل متکبر، از فضائل می‌شود و سخن زشت گفتن با اینکه زشت است، برای کسی که به او ظلم شده، پسندیده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۳/۲). به تعبیر روشن‌تر، تجاوز در مقابل متجاوز، دفاع از عزت و خشم در مقابل ذلت است.

همچنین قرآن به اولیای مقتول اجازه داده است که در صورت عمدی بودن قتل، قاتل را قصاص کنند و به تاوان مقتول او را بکشند: ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾<sup>۲</sup> (اسراء/۳۳).

در صورتی که نه تنها قتل نفس، بلکه کمترین و کوچک‌ترین آزار یک انسان از نظر اسلام مجازات دارد و می‌توان با اطمینان گفت این همه احترام که اسلام برای خون و جان و حیثیت انسان قائل شده است، در هیچ آیینی وجود ندارد؛ ولی درست به همین

۱. «هر کس به شما تعدی کند، شما نیز به اندازه تعدی وی، از او انتقام بگیرید.».

۲. «یعنی هر کس مظلوم کشته شود، به ولی‌اش سلطه [حق قصاص] دادیم؛ ولی او هم نباید در قتل اسراف ورزد.».

دلیل، مواردی پیش می‌آید که احترام خون برداشته می‌شود و این در مورد کسانی است که مرتکب قتل و یا گناهی همانند آن شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۶/۱۲). نکته این است که مقاومت و ایستادگی در برابر هر ناحقی از جمله خون به ناحق ریخته‌شده، با توجه به مبنای اصول فقهی، بر هر حکم دیگری حکومت یا ورود دارد و این نیز از مصادیق ایستادگی در برابر ظلم است.

### ۵-۳-۳. ارتقای نیروی دفاعی

از جمله مؤلفه‌های منظومه بیانات رهبر انقلاب مربوط به نظام دفاعی، حفظ آمادگی و ارتقای نیروی دفاعی قوای مسلح است. به باور ایشان، نیروهای مسلح باید این را وظیفه خود بدانند که حصار مستحکم در مقابل توطئه‌های دشمنان علیه ملت ایران خواهند بود؛ این احتیاج دارد به اینکه آمادگی ایجاد کنند (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۰۷/۱۳).

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: ﴿وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ﴾<sup>۱</sup> (نساء/۱۰۲). این آیه شریفه، کیفیت نماز خوف را بیان می‌کند و خطاب را متوجه رسول خدا ﷺ می‌نماید و او را امام جماعت فرض می‌کند و می‌فرماید: تو نماز را برای لشکر اقامه می‌کنی؛ نیمی از لشکر با تو در نیمی از نماز شرکت می‌کنند و می‌روند و نیمی دیگر به جماعت می‌ایستند. این در حقیقت از قبیل بیان حکم در قالب مثال است، تا بیان برای شنونده واضح‌تر شده و در عین حال مختصرتر و زیباتر از کار درآید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۲/۵). از آیه مذکور می‌توان استنباط نمود که حفظ آمادگی نظامی و تدارکاتی در برابر خطر هجوم دشمنان، وظیفه مسلمانان است. اگر این وظیفه به گروه تخصصی مانند ارتش واگذار شود، بهتر است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۳/۴).

آیه دیگر عبارت است از: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ﴾<sup>۲</sup> (انفال/۶۰). این آیه شریفه برای تمام مکان‌ها، زمان‌ها، کشورها و ادوار تاریخ الهام‌بخش است؛ زیرا از اسلحه خاصی سخن نمی‌گوید که با گذشت زمان از رده خارج شود، بلکه تعبیر به

۱. «و باید آمادگی‌شان را حفظ کنند و سلاح‌هایشان را بگیرند».

۲. «هر نیرویی در توان دارید، برای مقابله با دشمنان آماده سازید. همچنین اسب‌های ورزیده خویش را برای میدان نبرد آماده کنید».

«قوه» می‌کند؛ یعنی مسلمانان برای حفظ آمادگی خویش باید از هر سلاحی کمک بگیرند، در هر عصر و زمان باید مجهز به پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی دنیا باشند. کلمه «قوه» حتی سلاح‌های دیگر، غیر از سلاح‌های جنگی را هم شامل می‌شود؛ مثلاً وسایل تبلیغاتی که نیرویی قوی برای نابودی دشمن به شمار می‌رود نیز مشمول «قوه» می‌باشد، همان‌گونه که این کلمه شامل امور اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی نیز می‌شود و خلاصه، هر چیزی که در نبرد با دشمن کارساز باشد و جلوی تجاوز دشمن را بگیرد و در دفاع در برابر دشمن، ما را یاری کند، مشمول آیه می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ الف: ۳۰۸). از نظر منطقی، هر کشوری جهت حفظ اقتدار خود و با توجه به پیشرفت‌های تجهیزاتی دشمن، لازم است خود نیز بنیه دفاعی‌اش را ارتقا بخشد. بنابراین فرهنگ دفاعی ایجاب می‌کند که ارتش در ارتقاء بنیه دفاعی کشور - چنان که تا کنون نیز همین بوده است - بکوشد. بنیه دفاعی، مجموعه قابلیت‌ها و توانمندی‌های مادی و معنوی پایدار در همه ابعاد قدرت ملی برای دستیابی به اهداف امنیت ملی یک کشور است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۷۶). قدرت و افزایش بنیه دفاعی در جمهوری اسلامی، به عکس نظام‌های سکولار و لائیک، هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف انسانی و حفظ هویت انسانی، اسلامی و ایرانی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است. چنین قدرتی، افزون بر اینکه باید یک ارتش مقتدر و مجهز به ابزارها و سلاح‌های نظامی هوشمند و به عبارتی قدرت مادی داشت تا در جهت صیانت از استقلال و تمامیت ارضی جامعه و حفظ مرزهای جغرافیایی و سیاسی آن تلاش نمود، که در بیانات مقام معظم رهبری نیز این مورد به خوبی نمایش داده شده است (اسدیور و احمدی اهنک، ۱۳۹۵: ۵۷)؛ برای نمونه، ایشان در حکم انتصاب ریاست مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی می‌فرماید:

«لازم است با بهره‌گیری از افراد زنده و اندیشمند و ارتباط با مراکز علمی و تحقیقاتی در چارچوب اساسنامه مصوب مرکز و سیاست‌های ابلاغی، ظرفیت‌های علمی و عملی این مرکز را توسعه داده و محصولات آن را به منظور ارتقاء بنیه دفاعی کشور ارائه دهید» (حکم انتصاب ریاست مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی و معاون بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۸۴/۰۷/۰۴).

قسمتی از آیه ۶۰ سوره انفال که قبلاً به بخشی از آن اشاره شد، بر این مهم دلالت دارد:

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup> (انفال / ۶۰). آیه متضمن دستوری برای امروز مسلمانان است و آن اینکه تنها نباید روی دشمنان شناخته شده خود تکیه کنند و آمادگی خویش را در سرحد مبارزه با آن‌ها محدود سازند؛ بلکه دشمنان احتمالی و بالقوه را نیز باید در نظر بگیرند و حداکثر نیرو و قدرت لازم را فراهم کنند و اگر به راستی، مسلمانان چنین نکته‌ای را در نظر می‌داشتند، هیچ‌گاه گرفتار حملات غافلگیرانه دشمنان نیرومند نمی‌شدند. پایان این آیه، اشاره به موضوع مهم دیگری می‌کند و آن اینکه تهیه نیرو و قوه کافی و ابزار و اسلحه جنگی و وسایل مختلف دفاعی، نیاز به سرمایه مالی دارد؛ لذا به مسلمانان دستور می‌دهد که باید با همکاری عموم، این سرمایه را فراهم سازید و بدانید هر چه در این راه بدهید، در راه خدا داده‌اید و هرگز گم نخواهد شد (و آنچه در راه خدا انفاق کنید، به شما پس داده خواهد شد) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۷/۷-۲۲۸).

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده درباره مسئله دفاع و بررسی آن در کلمات مقام معظم رهبری و مستندات قرآنی آن، می‌توان به این مهم دست یافت که مؤلفه‌های انسان‌شناختی دخیل در نظریه دفاعی ایشان، سبب ارتقاء بُعد ولایت‌پذیری نیروهای مسلح حتی در عناصر معنوی مقوم نهاد دفاع می‌شود. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که مؤلفه‌های بینشی، گرایشی، کنشی - واکنشی بر اساس دیدگاه انسان‌شناسی روان‌شناختی، و باورها، امیال، کنش - واکنش و مناسک بر اساس دیدگاه انسان - جامعه‌شناسی ریویز قابل تقسیم است. بر اساس قالب مذکور و فرض این نکته که تمیز اسطوره در باورها و خرافات در مناسک، درباره قرآن و آموزه‌های مبتنی بر آن به سبب وحیانی بودنش جایی ندارد، در باورها دیدگاهی تقریباً انحصاری از سوی مقام معظم رهبری بر دشمن‌شناسی یعنی شناخت نقاط قوت و ضعف دشمن و ابزارهای او، و در بُعد امیال با لحاظ فطری بودن میل به خوبی و عدم تمایل به بدی، بر رغبت به معنویات تأکید شده

۱. «و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد».

است که برخی از متخصصان جامعه‌شناسی علم مانند دورکیم و شلر، به اثرگذاری متافیزیک بر علم و عمل صحنه گذاشته‌اند. دنیاگرایی مصادیق متعددی دارد که در معنای متضاد آن یعنی دنیاگرایی بیشتر قابل تبلور و تجسم است. در این صورت، دنیاگرایی یا عدم دنیاگرایی هر دو مساوی خواهند بود. مصادیقی چون فرار از جبهه و جاسوسی، از جمله مصادیق دنیاگرایی در مقوله دفاع هستند. مؤلفه‌های کنشی یا مناسکی مانند یاری دین و اولیاء الهی، مقاومت و ایستادگی، ارتقای همه‌جانبه بینه دفاعی به عنوان مهم‌ترین عمل با خلوص نیت و توجه به آیات قرآن در این زمینه جهت افزایش انگیزه معنوی این کنش، از جمله عناصر معنوی تشکیل‌دهنده نظریه دفاعی ایشان در بعد انسان‌شناختی است.

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی، قم، دار الذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. اسدپور، عهدیه، و کاظم احمدی اهنک، «بازنمایی هویت اسلامی - ایرانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و دوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۱۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۴. اسمیت، ادوارد، سوزان نولن هوکسیما، باربارا فردریکسون، جفری لافنس، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران، شهرآب و آینده‌سازان، ۱۳۸۶ ش.
۵. امیری طهرانی‌زاده، سیدمحمدرضا، پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹ ش.
۶. اینگلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر، ۱۳۸۲ ش.
۷. برزگر، ابراهیم، «صراط، ضابطه هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۹ ش.
۸. برهانیان، عبدالحسین، دشمن‌شناسی در قرآن، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۳ ش.
۹. ترک‌زاده، جعفر، و مهدی امیری، «کاش قرآنی در موانع پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۰. جلالی، حسین، «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن‌ها»، ماهنامه معرفت، سال دهم، شماره ۵۰، بهمن ۱۳۸۰ ش.
۱۱. درویش شانی، محمد، «دفاع هوشمند و قدر معنوی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای»، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، جلد اول، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. ربویر، کلود، جامعه - انسان‌شناسی ادیان، ترجمه و توضیح علیرضا خدای، تهران، نی، ۱۳۹۷ ش.
۱۴. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، چاپ دوم، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. طیب، سید عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۲۲. عسگری، محمود، و احمد آقاجانی، «عوامل شکل‌دهنده و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله نامه دفاع*، شماره ۳ (پیاپی ۲۶)، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. قرائتی محسن، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. قربانی مقدم، محمد، *بصیرت در نهج البلاغه*، تهران، حیات طیبه، ۱۳۸۹ ش.
۲۶. قره‌باغی، حسن، و صفدر الهی راد، «قلمرو دین در اندیشه آیه‌الله العظمی خامنه‌ای»، *ماهنامه معرفت*، سال بیست و نهم، شماره ۴ (پیاپی ۲۷۱)، تیر ۱۳۹۹ ش.
۲۷. کاستلز، مانوئل، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد دوم: قدرت هویت)*، ترجمه حسن جاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵ ش.
۲۸. مطهرنیا، مهدی، *فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی*، تهران، وزارت دفاع، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، قم، صدرا، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ سوم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، چاپ سوم، قم، نسل جوان، ۱۳۸۶ ش. (الف)
۳۲. همو، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. همو، *زندگی در پرتو اخلاق*، قم، سرور، ۱۳۸۶ ش. (ب)
۳۴. موسوی لاری، سیدمجتبی، *رسالت اخلاق در تکامل انسان*، چاپ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. نوروزی، محمد تقی، *فرهنگ دفاعی - امنیتی*، تهران، سنا، ۱۳۸۵ ش.
۳۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، چاپ پنجم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۳۷. همو، *فرهنگ قرآن*، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.